



زبان حال اکثریت
تمجید خاتمی از پزشکيان



دیدار خصوصی
مذاکره ترامپ و شی پشست درهای بسته



راند آخر
احمد ناطق نوری درگذشت



تحقیق و تفحص از نفت

نمایندگان دنبال رد پول نفت هستند؛
از قراردادهای لغو شده چین
تا واگذاری ۸۰ میلیون بشکه به چهار تراسیتی

سرمقاله

اقتدار برای صلح دیپلماسی برای توسعه

مسیر سربلندی ایران از
اقتدار همراه با عقلانیت، دیپلماسی همراه
با منافع ملی و توسعه همراه با امنیت می گذرد



سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

سخنرانی دکتر مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل در یکی از حساس‌ترین مقاطع کشور و منطقه، فرصتی مهم برای بیان روشن مواضع ایران و ترسیم تصویری متوازن از جایگاه کشور در شرایط امروز بود. این حضور و این سخنرانی را باید از منظر منافع ملی و آینده ایران ارزیابی کرد؛ آینده‌ای که بیش از هر چیز به امنیت، توسعه و کاهش هزینه‌های ناشی از تنش‌های خارجی نیاز دارد.

رئیس‌جمهور به‌درستی بر یک اصل روشن تأکید کرد؛ ایران جنگ‌طلب نیست اما در برابر تعرض به استقلال و تمامیت ارضی خود نیز سکوت نخواهد کرد. قدرت دفاعی برای ملت ایران وسیله جنگ نیست بلکه پشتوانه‌ای برای حفظ امنیت و جلوگیری از تحمیل جنگ است. این تأکید، در کنار تصریح بر صلح‌طلبی تاریخی ایرانیان، می‌تواند تصویری متوازن از ایران ارائه کند؛ کشوری که هم بر حفظ عزت و حقوق ملی خود اصرار دارد و هم نمی‌خواهد، آینده‌اش در چرخه‌ای بی‌پایان از جنگ و تنش گرفتار شود.

در عین حال نباید قدرت را فقط در توان نظامی دید. اقتصاد قوی، جامعه امیدوار، تقویت سرمایه اجتماعی و دیپلماسی فعال نیز بخشی از قدرت ملی هستند. ایران برای عبور از شرایط امروز به همه اینها در کنار یکدیگر نیاز دارد. قدرت ملی زمانی پایدار می‌شود که مردم احساس کنند ثمره آن در امنیت، توسعه، عدالت و بهبود زندگی روزمره آنان دیده می‌شود. از همین منظر، حفظ سرمایه اجتماعی و ایجاد امید به آینده، بخشی از الزامات اقتدار کشور است.

به حکم عقل؛ باید از دوگانه‌های «مقاومت یا مذاکره» و «اقتدار یا تعامل» عبور کرد. کشور هم به قدرت دفاعی نیاز دارد و هم به دیپلماسی. مذاکره اگر در چارچوب منافع ملی و با حفظ حقوق ایران انجام شود، نه نشانه ضعف که یکی از ابزارهای تأمین امنیت و کاهش هزینه‌های کشور است. مهم آن است که دیپلماسی بتواند از ظرفیت قدرت ملی برای باز کردن مسیرهای تازه استفاده کند و در عین حفظ حقوق ایران، راهی برای کاهش فشار بر مردم و دور کردن سایه جنگ پیدا کند. در موضوع هسته‌ای نیز تأکید رئیس‌جمهور بر «نه به سلاح هسته‌ای و نه به محرومیت از دانش هسته‌ای» می‌تواند مبنای یک راه‌حل سیاسی و توافقی متوازن باشد؛ توافقی که هم حقوق ایران را به رسمیت بشناسد و هم نگرانی‌های موجود را از مسیر گفت‌وگو و نظارت حل کند.

در منطقه نیز امنیت یک کشور نمی‌تواند بر ناامنی کشور دیگر بنا شود. جمله رئیس‌جمهور که «یا با هم امنیت می‌سازیم یا با هم در ناامنی زندگی می‌کنیم» می‌تواند مبنای نگاه تازه‌ای به روابط منطقه‌ای باشد. ایران باید از ظرفیت خود برای گفت‌وگو با همسایگان و شکل دادن به ترتیباتی برای امنیت پایدار منطقه استفاده کند. این نگاه در عین حال می‌تواند، زمینه‌ای برای تقویت جایگاه ایران به‌عنوان بازیگری باشد که امنیت را نه از مسیر حذف دیگران بلکه از طریق گفت‌وگو و ترتیبات مشترک منطقه‌ای دنبال می‌کند.

امروز بیش از هر چیز باید به فکر فردای ایران باشیم. مردم در روزهای سخت از کشور دفاع کردند و اکنون انتظار دارند این ایستادگی به امنیت، ثبات اقتصادی و زندگی بهتر منجر شود. کاهش تنش خارجی، فعال کردن دیپلماسی، اصلاحات اقتصادی و تقویت اعتماد میان مردم و حاکمیت، مسیرهایی است که باید همزمان دنبال شود.

ما در حزب کارگزاران سازندگی ایران از مواضع رئیس‌جمهور در سازمان ملل تقدیر و حمایت می‌کنیم و بر این باور هستیم که مسیر سربلندی ایران نه از جنگ می‌گذرد و نه از انفعال؛ بلکه بی‌تردید از اقتدار همراه با عقلانیت، دیپلماسی همراه با منافع ملی و توسعه همراه با امنیت می‌گذرد.



توافق تا قبل از انتخابات

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور

در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی فاکس نیوز که مورد حمایت ترامپ است، صراحتاً اعلام کرد:

ایران آمادگی دارد تا پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای با آمریکا به توافق برسد

همزمان عراقچی نیز از ارائه طرح ۷ روزه ایران به آمریکا خبر داد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران، در دو حضور رسانه‌ای در نیویورک، پیام نسبتاً روشنی درباره مسیر پیش روی تهران و واشنگتن فرستاد:

ایران خواهان ادامه جنگ نیست و آماده است به چارچوب تفاهمی که در ۲۸ خردادماه میان دو طرف شکل گرفته بود، بازگردد. با این حال تهران همزمان تأکید دارد که پایان جنگ نباید به معنای تسلیم در برابر فشار نظامی و اقتصادی آمریکا باشد. پزشکيان روز پنج‌شنبه در حاشیه هشتادویکمین

مجمع عمومی سازمان ملل در گفت‌وگویی کوتاه با شبکه «ان‌بی‌سی نیوز» و چند رسانه دیگر گفت: «نمی‌خواهیم کار به انتخابات میان‌دوره‌ای برسد». او افزود: «می‌خواهیم آمریکایی‌ها پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای به تفاهم‌نامه بازگردند».

ادامه در صفحه ۳

سیاست

زبان حال اکثریت

تمجید محمد خاتمی

از سخنرانی پزشکیان در سازمان ملل



گروه سیاسی: محمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات در پیامی خطاب به مسعود پزشکیان، سخنرانی رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل را اقدامی «شجاعانه و سنجیده» توصیف کرد و با تمجید از محتوای این سخنرانی، آن را «بی‌تکلف، سنجیده، منطقی و متین» دانست.

خاتمی در ابتدای پیام خود خطاب به پزشکیان نوشت: «با ستایش فراوان از سخنان بی‌تکلف، سنجیده، منطقی و متین جنابعالی در مجمع عمومی سازمان ملل». رئیس دولت اصلاحات سپس بر تأکید پزشکیان بر پیشینه تمدنی و رویکرد صلح‌طلبانه ایرانیان همچنین مقاومت مردم در برابر فشارها تمرکز کرد و نوشت: «تأکید درست شما بر عزتمندی تمدنی و صلح‌طلبی تاریخی ایرانیان و مظلومیت و مقاومت توأم با تاب‌آوری و عقلانیت ملت، دولت و نیروهای نظامی حماسه‌آفرین ایران امروز، اقدامی مدبرانه و درخور تقدیر بود».

خاتمی در ادامه، سخنان پزشکیان را بازتاب‌دهنده خواسته بخش بزرگی از جامعه ایران دانست و نوشت: «سخن شما به واقع زبان حال اکثریت مردم ماست که در میانه جنگی ویرانگر و تحمیلی و محاصره‌ای فراگیر و تحریم‌هایی ظالمانه، خواهان ایرانی مقتدر و برخوردار از توسعه و عدالت و صلح و آینده‌ای روشن؛ در منطقه‌ای ناآرام و شکننده از مداخله و جنگ‌افروزی رژیم صهیونیستی و در جهانی پرخطر از تجاوز و زیاده‌خواهی دولت آمریکا و حاکمیت معیارهای دواگانه هستند».

بخش دیگری از پیام خاتمی به اهمیت سفر پزشکیان و نقش آن در ایجاد همگرایی داخلی اختصاص داشت. او نوشت: «شما با انجام به‌موقع این سفر شجاعانه، باز فرصتی ملی برای همدلی و هم‌رایی و همراهی ملت و دولت و حکومت فراهم کردید تا فارغ از گرایش‌های سیاسی و اجرایی در جهت منافع و مصالح کشور، اعتلای ایران و رفع نگرانی‌های زندگی مردم، گامی مدبرانه و مقتدرانه و دلسوزانه در راه دور کردن سایه جنگی بی‌پایان و خانمان‌سوز از کشور برداشته شود».

خاتمی در پایان پیام خود نیز بر ضرورت پیگیری مسیر مبتنی بر حقوق ملت و مصلحت ملی تأکید کرد و خطاب به رئیس‌جمهوری نوشت: «از خداوند می‌خواهم که جنابعالی و همه دست‌اندرکاران را یاری دهد که با پافشاری بر حقوق ملت و مصلحت ملی، کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین مسیر برون‌رفت از بحران پیش آمده را بیابید و با شجاعت و انصاف و پشتیبانی همه ارکان حکومت و قشرهای ملت آن را پیمایید».

پیام خاتمی در شرایطی منتشر شد که سخنرانی پزشکیان در سازمان ملل با واکنش گسترده‌ای در میان مقام‌های ارشد، نمایندگان مجلس، اعضای دولت و فعالان و تحلیلگران سیاسی همراه شد؛ واکنش‌هایی که در مجموع بر اهمیت این حضور و مواضع مطرح شده از سوی رئیس‌جمهوری متمرکز بود. در این میان محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین، بر آمادگی ایران برای دیپلماسی تأکید کرد و خطاب به ترامپ نوشت: «ایران همیشه آماده دیپلماسی است. اما هرگز ایرانی‌ها را تهدید نکن».

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای هومن عظیمی

مدیرکل محترم مطبوعات داخلی وزارت ارشاد

مراتب تسلیت ما را

در فقدان مادر گرمای‌تان پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی

و خلد برین سرایشان باد.

روزنامه سازندگی

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

تحقیق وتفحص از نفت

نمایندگان دنبال رد پول نفت هستند؛ از قراردادهای لغو شده چین تا واگذاری ۸۰ میلیون بشکه به چهار تراستی

حساب‌کنشی از یک دهه فروش نفت

همزمان با سوال از وزیر نفت، پرونده دیگری هم در مجلس باز شده؛ پرونده‌ای که دامنه‌اش بسیار فراتر از یک قرارداد است. احمد بیگدلی، نماینده خدابنده و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، از تدوین طرح تحقیق وتفحص از نحوه فروش نفت و وصول مطالبات در شرکت ملی نفت ایران و شرکت نیکو خبر داده است. این بار قرار است یک دهه از معاملات نفتی بررسی شود؛ از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۵. نمایندگان می‌خواهند مسیر فروش نفت، میزان تخفیف‌ها، نحوه وصول مطالبات و عملکرد تریدرها در این بازه را بررسی کنند و ببینند تصمیم‌های گرفته شده در این سال‌ها تا چه اندازه با منافع و منابع عمومی همخوان بوده است.

اما در میان محورهای ۱۰گانه این تحقیق وتفحص یک عدد بیشتر از همه جلب توجه کرده است: ۸۰ میلیون بشکه نفت. قرار



است مشخص شود که این حجم از نفت چگونه و بر چه اساسی به چهار تریدر تراستی مشخص واگذار شده است. این چهار مجموعه چگونه انتخاب شدند، چه مجوزها و مصوباتی پشت این واگذاری بوده و نفت با چه سازوکاری، چه قیمتی و با چه میزان تخفیفی فروخته شده است. سوال فقط به مرحله فروش هم ختم نمی‌شود؛ شرایط پرداخت، زمان بازگشت منابع و آثار مالی این تصمیم‌ها نیز قرار است، بررسی شود. در نهایت مجلس می‌خواهد، زنجیره تصمیم‌گیری هر محموله را دنبال کند و مشخص شود چه کسانی در این فرآیند نقش داشته‌اند و در صورت اثبات تخلف یا قصور، مسئولیت متوجه چه اشخاصی خواهد بود.

دامنه بررسی‌ها اما از این گسترده‌تر است و از قراردادهای فروش نفت به ونزوئلا و دلایل شکل‌گیری مطالبات سنواتی تا نحوه انتخاب و به‌کارگیری مدیران و افراد در سمت‌های حساس را دربرمی‌گیرد. خرید و فروش ۱۲ نفتکش در فاصله خرداد ۱۴۰۱ تا شهریور ۱۴۰۲ و ادعای از بین رفتن حدود ۸۰۰ میلیون دلار از منابع عمومی نیز از دیگر محورهای این طرح است. به این ترتیب مجلس عملاً پرونده‌ای بزرگ‌تر درباره نحوه مدیریت فروش نفت و عملکرد شرکت نیکو را روی میز گذاشته است؛ پرونده‌ای که قرار است، مسیر نفت را از زمان تصمیم برای فروش تا وصول پول آن دنبال کند.

اما سوال مهم‌تر این است که مسئولیت این فرآیند دقیقاً برعهده کدام نهاد است؟ پاسخ نمایندگان به این پرسش یکسان نیست. جعفر

قادری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، معتقد است محرمانگی بخشی از فرآیند فروش نفت در شرایط تحریم قابل درک است؛ چراکه افشای مسیرهای انتقال نفت و پول می‌تواند این کانال‌ها را در معرض تحریم قرار دهد. اما به گفته او، محرمانه بودن اطلاعات نباید به‌معنای ایجاد امتیاز برای تعداد محدودی تراستی باشد. قادری خواستار روشن شدن مبنای انتخاب این تراستی‌ها از سوی بانک مرکزی و شورای‌عالی امنیت ملی شده و این پرسش را مطرح کرده است که اگر آنها به تعهدات خود عمل نکنند، چه سازوکاری برای برخورد با آنها و تضمین بازگشت منابع نفتی وجود دارد.

در واقع، پرسش مجلس این است که این محرمانگی تا کجا ضرورت دارد و از کجا به بعد باید جای خود را به نظارت و پاسخگویی بدهد؟ رضا سپهوند، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس، اما معتقد است اگر قرار است، تحقیق وتفحص به نتیجه برسد باید سراغ نهادهای رفت که تصمیم اصلی در آنجا گرفته شده است. به گفته او، انتخاب تراستی‌ها در وزارت نفت انجام نمی‌شود و این موضوع در شورای‌عالی امنیت ملی و کمیته مربوط به آن تصمیم‌گیری می‌شود. وزارت نفت در فروش و صادرات نفت و ارتباط با تریدرها نقش دارد اما تعیین تراستی‌ها و سازوکار بازگشت ارز در سطح دیگری دنبال می‌شود. با این حال سپهوند تأکید دارد که این تفاوت مسئولیت‌ها نباید مانع نظارت شود؛ مجلس باید روشن کند چرا برخی تراستی‌ها ارز حاصل از فروش نفت را به‌موقع بازگردانده‌اند و چه عواملی باعث کند شدن روند وصول منابع شده است.

چه کسی پای نفت می‌ایستد؟

همین اختلاف، یکی از کلیدی‌ترین پرسش‌های پرونده را پیش می‌کشد: اگر وزارت نفت مسئول فروش و صادرات نفت است اما انتخاب تراستی‌ها در نهادهای دیگر انجام می‌شود، مسئولیت زنجیرهای که از فروش نفت تا بازگشت پول ادامه پیدا می‌کند، دقیقاً میان کدام نهادها تقسیم شده است؟ مسئله زمانی جدی‌تر می‌شود که نفت فروخته شده اما منابع حاصل از آن با تأخیر به کشور برگردد. در چنین شرایطی باید روشن شود پاسخگویی متوجه فروشنده است، نهادهای که تراستی را انتخاب کرده، خود تراستی و خریدار، یا مجموعه‌ای از این عوامل. همین نقطه است که تحقیق وتفحص می‌تواند مسیر تصمیم‌گیری و مسئولیت‌ها را از هم تفکیک کند.

در حاشیه این پرونده، نام وزیر نفت یک بار دیگر در بحث استیضاح هم مطرح شده بود؛ موضوعی که فعلاً با گفت‌وگو میان نمایندگان و محسن پاک‌نژاد متوقف مانده است. رضا سپهوند می‌گوید، استیضاح وزیر نفت علاوه بر مسئله تراستی‌ها، موضوعاتی مانند ناترازی بنزین و گاز و دیگر مسائل عملکردی وزارت نفت را نیز دربر می‌گرفت. با این حال فعلاً این مسیر متوقف شده و پرونده نظارت بر عملکرد وزارت نفت از طریق سوال و تحقیق وتفحص دنبال می‌شود.

حالا دو مسیر موازی پیش روی وزارت نفت است؛ سوال از پاک‌نژاد درباره لغو قرارداد فروش نفت به ۷ پالایشگاه چینی و تحقیق وتفحص از عملکرد ۱۰ ساله شرکت ملی نفت و نیکو با تمرکز بر واگذاری ۸۰ میلیون بشکه به چهار تراستی. دو پرونده که در نهایت به یک پرسش مشترک می‌رسند: نفت ایران در شرایط تحریم چگونه فروخته می‌شود و چه نهادهای درباره بازگشت پول آن پاسخگوست؟

فقط در تعداد موشک‌ها، اندازه ارتش یا توان نظامی خلاصه نمی‌شود. اقتصاد قدرتمند، سرمایه اجتماعی، فناوری، توان علمی، ثبات سیاسی، دیپلماسی مؤثر، اعتبار بین‌المللی و توان ایجاد ائتلاف‌های پایدار، اجزای یک قدرت ملی مدرن هستند. کشوری که قدرت دارد اما نمی‌تواند آن را به سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، امنیت پایدار و رفاه عمومی تبدیل کند، بخشی از ظرفیت قدرت خود را از دست داده است. همانگونه که مذاکره‌ای که پشتوانه واقعی اقتصادی، سیاسی و امنیتی نداشته باشد ممکن است به توافقی شکننده تبدیل شود.

درس نادرشاه را نیز شاید باید فراتر از تصویر یک فرمانده نظامی دید. او نشان داد که در لحظه بحران بدون بازسازی قدرت نمی‌توان از منافع ملی دفاع کرد؛ اما پیمان گردان نیز یادآوری می‌کند که قدرت زمانی به دستاورد تبدیل می‌شود که بتواند به ترتیبات سیاسی و امنیتی پایدار منجر شود. امروز نیز مسئله ایران صرفاً افزایش قدرت نیست؛ مسئله مهم‌تر تبدیل قدرت به نتیجه است. قدرت اگر فقط برای ادامه بحران مصرف شود، فرسوده می‌شود؛ مذاکره اگر بدون پشتوانه قدرت انجام شود، شکننده است. هنر سیاست در نقطه‌ای میان این دو شکل می‌گیرد؛ جایی که قدرت ملی نه برای تداوم بحران بلکه برای ساختن امنیت، توسعه و آینده‌ای باثبات‌تر برای ایران به کار گرفته شود.

از نادرشاه تا پزشکیان؛ قدرت برای چه؟

قدرت ملی وقتی دستاورد است که به نظم سیاسی و توافق پایدار برسد

و توانست، بخش مهمی از سرزمین‌های از دست‌رفته را بازپس گیرد. اما تجربه نادرشاه یک نکته مهم دیگر هم دارد: قدرت نظامی، نقطه پایان سیاست نیست؛ ابزاری برای رسیدن به یک نظم سیاسی پایدار است.

پس از سال‌ها جنگ با عثمانی، سرانجام در سال ۱۷۴۶ پیمان گردان منعقد شد. این توافق در کنار تثبیت مرزها، موضوعاتی مانند مبادله اسرا، روابط دیپلماتیک و حقوق زائران ایرانی را نیز دربر می‌گرفت. به بیان دیگر، جنگ سرانجام باید به «قاعده» تبدیل می‌شد؛ قاعده‌ای که بتواند، هزینه‌های منازعه را کاهش دهد و امکان بازگشت به سیاست و تجارت را فراهم کند. از این منظر، سخنان پزشکیان را نیز می‌توان در همین چارچوب گسترده‌تر دید؛ تأکید بر دفاع و حفظ منافع ملی از یک‌سو و باز گذاشتن مسیر گفت‌وگو و مذاکره از سوی دیگر. مسئله اصلی اما نه «جنگ یا مذاکره» است و نه انتخاب یکی به‌جای دیگری. سوال اساسی‌تر این است که قدرت ملی قرار است چه چیزی برای ایران تولید کند؟ در جهان امروز قدرت



عاطفه شمس

گروه سیاسی

ماجرای نفت در مجلس دیگر فقط به میزان تولید و صادرات یا ناترازی بنزین و گاز محدود نیست. این بار نمایندگان می‌خواهند بدانند نفت ایران دقیقاً با چه سازوکاری فروخته می‌شود، چه کسانی در این زنجیره نقش دارند و پول حاصل از آن چگونه و چه زمانی به کشور برمی‌گردد. از یک‌سو، سوال از محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، درباره چرایی لغو قراردادهای فروش نفت به ۷ پالایشگاه چینی مطرح شده؛ قراردادهایی که قرار بود برای دو سال بازاری مطمئن برای نفت ایران فراهم کنند اما بنا بر روایت مطرح شده در مجلس پس از ۶ ماه لغو شده‌اند. از سوی دیگر، طرح تحقیق وتفحص از نحوه فروش نفت و عملکرد تراستی‌ها در حال پیش رفتن است؛ طرحی که یکی از مهم‌ترین محورهای آن واگذاری ۸۰ میلیون بشکه نفت به چهار تریدر و تراستی مشخص است و تاکنون بیش از ۴۰ نماینده، پای آن را امضا کرده‌اند.

سوال از قراردادهای چین

ماجرای از قراردادهایی شروع می‌شود که قرار بود برای نفت ایران در چین یک بازار نسبتاً مطمئن بسازد. ولی الله بیاتی، سخنگوی کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس، از طرح سوال از محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، درباره سرنوشت این قراردادها خبر داده است. به گفته او، در چارچوب برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های راهبردی تهران و پکن، شرکت بازرگانی نفت ایران با ۷ پالایشگاه چینی قرارداد فروش نفت امضا کرده بود؛ قراردادهایی که قرار بود، دو سال اعتبار داشته باشند و برای بخشی از نفت ایران، مشتری مشخص و بازاری تضمین شده فراهم کنند. اما این قراردادها آن‌طور که قرار بود، پیش نرفتند. بیاتی می‌گوید، وزارت نفت تنها ۶ ماه پس از انعقاد قراردادها آنها را لغو کرده است؛ همین نقطه هم برای مجلس تبدیل به سوال شده است؛ چرا قراردادی که قرار بود، بخشی از بازار فروش نفت ایران را برای دو سال تضمین کند ۶ ماه پیشتر دوام نیاورد؟ تصمیم لغو با چه استدلالی گرفته شد؟ آیا در این فاصله شرایط بازار یا الزامات فروش نفت تغییر کرده بود؟ و مهم‌تر از همه، اگر لغو قرارداد خسارتی به همراه داشته چه نهادهای باید مسئولیت جبران آن را برعهده بگیرد؟ بیاتی می‌گوید، سوال از وزیر نفت با هدف روشن شدن همین ابهام‌ها مطرح شده است.

اهمیت این ماجرا فقط به سرنوشت یک قرارداد نفتی محدود نمی‌شود. چین در سال‌های تحریم به یکی از اصلی‌ترین مقاصد نفت ایران تبدیل شده و هر تصمیم درباره شیوه فروش نفت به این کشور، هم به درآمدهای نفتی گره خورده و هم به مناسبات اقتصادی تهران و پکن. از همین‌رو بیاتی تأکید دارد که لغو قراردادها نباید به روابط راهبردی دو کشور و اجرای برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک آسیب بزند. حالا مجلس می‌خواهد بداند، تصمیمی که در وزارت نفت گرفته شده چه مبنایی داشته و چه تبعاتی برای این همکاری‌ها به همراه آورده است.

دیدگاه: یادداشت وارده



فرید محسنی

فعال مدنی

سخنرانی اخیر مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل بیش از آنکه صرفاً یک موضع‌گیری سیاسی در برابر جهان باشد، فرصتی است برای بازخوانی یک پرسش قدیمی در تاریخ ایران: قدرت ملی را چگونه باید به منافع ملی تبدیل کرد؟ ایران امروز، بی‌تردید به ایران قرن هجدهم قابل مقایسه نیست؛ نه در ساختار قدرت، نه در مناسبات بین‌المللی و نه در ابزارهای سیاست‌ورزی. با این حال تاریخ گاهی برای فهم منطق مسائل، آینه خوبی است. در دهه ۱۷۲۰ ایران با یکی از دشوارترین دوره‌های تاریخ خود روبه‌رو بود؛ سقوط صفویه، حمله افغان‌ها، ضعف ساختار سیاسی و از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین، کشور را در موقعیتی شکننده قرار داده بود. نادر ابتدا از مسیر بازسازی قدرت نظامی و سیاسی وارد شد

دیدار خصوصی

روسای جمهور آمریکا و چین پشت اتاق‌های دربسته گفت‌وگو کردند

گروه بین‌الملل: دیدار دونالد ترامپ و شی جین‌پینگ، رؤسای جمهوری آمریکا و چین روز پنج‌شنبه ۲۴ سپتامبر در کاخ سفید برگزار شد؛ نشست‌ی که در سایه اختلافات گسترده دو قدرت درباره تجارت، فناوری، تایوان و جنگ ایران بیش از هر چیز بر مدیریت تنش‌ها و جلوگیری از بازگشت روابط به مرحله تقابل متمرکز بود.

دو طرف اگرچه فضای دیدار را دوستانه و مثبت نشان دادند اما مسائل اصلی اختلافی همچنان حل‌نشده، باقی ماند. اما دونالد ترامپ، دیدار با همتای چینی خود را بسیار مفید خواند و گفت که اتفاقات بسیار بزرگی در راه است.

دیداری با تشریفات کم‌سابقه

شی جین‌پینگ برای نخستین سفر رسمی خود به آمریکا در بیش از یک دهه گذشته وارد واشنگتن شد. ترامپ حتی شخصاً برای استقبال از او به پایگاه هوایی اندروز رفت؛ اقدامی که در دهه‌های اخیر برای یک رئیس دولت خارجی کم‌سابقه توصیف شده است. روز پنج‌شنبه نیز مراسم استقبال رسمی با حضور نزدیک به ۵۰۰ نیروی نظامی، اجرای سرودهای ملی و پرواز جنگنده‌ها در کاخ سفید برگزار شد.

پس از مراسم، دو رئیس‌جمهور مذاکرات خود را آغاز کردند. ترامپ پس از این دیدار، آن را «عالی» توصیف کرد و بر روابط شخصی خود با شی تأکید داشت. شی نیز خواستار آن شد که رقابت میان دو کشور در

ادامه تیتربیک

توافق تا قبل از انتخابات

جنگ را انتخاب نکردیم

رئیس‌جمهور در مصاحبه جداگانه‌ای با برت بایر در شبکه فاکس‌نیوز نیز موضع تهران را تشریح کرد. پزشک‌یکان گفت، ایران آغازگر جنگ نبوده و تمایلی به ادامه آن ندارد. او گفت: «ما جنگ را انتخاب نکردیم. جنگ به ما تحمیل شد». با این حال پزشک‌یکان تأکید کرد اگر ایران هدف حمله قرار گیرد از خود دفاع خواهد کرد. هنگامی که از او پرسیده شد آیا احتمال دارد جنگ تا پایان سال خاتمه یابد، تصمیم نهایی را متوجه واشنگتن دانست و گفت: «ما نمی‌خواهیم این وضعیت ادامه پیدا کند. آمریکا‌ست که باید انتخاب کند، می‌خواهد این را تمام کند یا نه». این اظهارات پزشک‌یکان، موضع دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در جریان سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل را رد می‌کند که بیان کرد ایران منتظر است تا نتایج انتخابات میان‌دوره کنگره آمریکا را ببیند.

پیشنهاد هسته‌ای روی میز

بخش مهم دیگری از اظهارات پزشک‌یکان در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز به برنامه هسته‌ای ایران مربوط بود. او بار دیگر تأکید کرد تهران به‌دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و با اشاره به فتوای رهبر سابق انقلاب درباره سلاح‌های کشتار جمعی گفت، ایران «هرگز» به‌دنبال سلاح هسته‌ای نبوده است. رئیس‌جمهور

همچنین از آمادگی تهران برای کاهش سطح غنی‌سازی و پذیرش راستی‌آزمایی بین‌المللی خبر داد. او مشخصاً درباره اورانیوم غنی شده تا سطح ۶۰ درصد گفت: «گفته‌ایم حاضر به رقیق کردن آن هستیم. مسئله بزرگی نیست. آماده‌ایم خود را در معرض راستی‌آزمایی قرار دهیم». پزشک‌یکان همچنین گفت، ایران آماده است امکان بازرسی از برنامه هسته‌ای خود را فراهم کند؛ موضوعی که می‌تواند یکی از عناصر مهم هر توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن باشد. پزشک‌یکان همزمان خط قرمز دیگری را نیز روشن کرد: فشار اقتصادی قرار نیست، ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های آمریکا کند. او مشکلات اقتصادی کشور را تأیید کرد اما گفت، تهران به مقاومت ادامه خواهد داد و «برای ماندن، هر سختی را تحمل خواهد کرد». پزشک‌یکان در عین حال افزود اگر دولت آمریکا در چارچوب قوانین بین‌المللی خواهان توافق باشد، ایران آماده است. او



خواسته‌های واشنگتن نشان نداده است. گزارش‌ها حاکی است، ترامپ درباره حمایت چین از ایران و احتمال کمک مستقیم یا غیرمستقیم پکن به تهران نیز نگرانی‌هایی را مطرح کرده است. در مقابل، چین بر راه‌حل سیاسی و مذاکره تأکید دارد.

ضیافت شام

در پایان مذاکرات، ترامپ میزبان شی و همسرش در شام کاخ سفید بود. حضور چهره‌های برجسته اقتصادی و فناوری آمریکا، ازجمله مدیران شرکت‌های بزرگ، بر اهمیت روابط اقتصادی دو کشور تأکید داشت. دو رهبر در این مراسم بر دوستی و ثبات روابط تأکید کردند. با این حال پشت این فضای دوستانه، اختلافات بنیادین همچنان پابرجاست. دیدار ترامپ و شی بیش از آنکه توافقی بزرگ ایجاد کند زمان بیشتری برای مدیریت اختلافات آمریکا و چین خرید. آتش‌بس تجاری تمدید شد، گفت‌وگو درباره هوش مصنوعی ادامه می‌یابد و دو طرف از تشدید تنش پرهیز کردند؛ اما تایوان، فناوری، عناصر نادر و جنگ ایران همچنان پرونده‌های باز روابط واشنگتن و پکن هستند.

اروپا

درخواست آمریکا از روسیه

روبو، پوتین را به نشست گروه ۲۰ دعوت کرد

مارکو روبیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده گفت، واشنگتن امیدوار است که رئیس‌جمهور روسیه این دعوت را بپذیرد. به گفته وی ایالات متحده، دعوت از پوتین به اجلاس گروه ۲۰ فرصتی برای گفت‌وگو میان روسیه و سایر کشورها نیز می‌داند. این دعوت پس از دیدار روبیو با سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شده است. کرملین نیز اعلام کرده که دعوت آمریکا را بررسی خواهد کرد. ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین نیز گفته که در صورت حضور پوتین در نشست میامی برای گفت‌وگو با او آمادگی دارد. در صورت حضور پوتین این نشست می‌تواند زمینه دیدار مستقیم او با ترامپ و گفت‌وگوهای گسترده‌تر درباره مسائل بین‌المللی را فراهم کند. پوتین از سال ۲۰۱۹ در اجلاس حضوری گروه ۲۰ شرکت نکرده است. پس از آغاز جنگ اوکراین، انزوی روسیه در غرب و صدور حکم بازداشت از سوی دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۲۳ سفرهای بین‌المللی او به کشورهای عضو این دادگاه پیچیده‌تر شده است. روسیه همچنان درگیر جنگ با اوکراین است و کشورهای غربی، به‌ویژه کشورهای اروپایی عضو G۲۰، موضع بسیار متفاوتی با مسکو دارند. در چنین شرایطی، حضور پوتین در یک نشست مشترک با رهبران آمریکا و اروپا می‌تواند، باعث برخورد مستقیم مواضع مختلف درباره جنگ شود. یک مشکل دیگر تحریم‌های آمریکا علیه روسیه و پوتین است. پس از آغاز جنگ اوکراین، آمریکا تحریم‌های گسترده‌ای علیه روسیه وضع کرد. بنابراین اگر پوتین بخواهد وارد آمریکا شود واشنگتن باید مجموعه‌ای از مسائل حقوقی، مالی، امنیتی و اجرایی مربوط به سفر او را حل‌وفصل کند. در جریان دیدار پوتین و ترامپ در آلاسکا در سال ۲۰۲۵ نیز دولت آمریکا برای انجام برخی معاملات و ترتیبات مرتبط با این سفر مجوزهای موقت صادر کرده بود. به همین دلیل سفر پوتین به میامی صرفاً به معنای خرید بلیت و ورود به آمریکا نیست؛ دولت آمریکا باید سازوکار ویژه‌ای برای حضور رئیس‌جمهور روسیه در خاک این کشور فراهم کند.



همچنان بر حفظ برتری تکنولوژیک خود تأکید دارد و چین نیز به‌دنبال توسعه ظرفیت‌های داخلی خود است.

اختلافی که باقی ماند

تایوان همچنان یکی از حساس‌ترین مسائل روابط واشنگتن و پکن است. شی در دیدار با ترامپ بر موضع چین درباره تایوان تأکید کرد و خواستار توجه آمریکا به نگرانی‌های پکن شد. فروش تسلیحات آمریکایی به تایوان نیز همچنان از موضوعات اختلافی است. در مقابل هیچ نشانه‌ای از توافقی بنیادین درباره آینده روابط آمریکا و تایوان منتشر نشد. بنابراین نشست واشنگتن نتوانست این اختلاف راهبردی را از دستورکار دو کشور خارج کند.

ایران؛ مسئله‌ای فراتر از روابط دو جانبه

جنگ ایران نیز از موضوعات مهم مورد توجه واشنگتن بود. آمریکا امیدوار است چین از نفوذ خود بر تهران برای کمک به پایان جنگ استفاده کند اما پکن تاکنون نشانه‌ای از پذیرش چنین نقشی مطابق

متوقف شود، سپس تنگه هرمز بازگشایی و بعد مذاکرات جامع درباره برنامه هسته‌ای آغاز شود. عراقچی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل گفت که این طرح شباهت زیادی به تعهداتی دارد که در تفاهم ماه ژوئن میان ایران و آمریکا شکل گرفته بود. او گفت تهران آماده است بلافاصله پس از موافقت واشنگتن اجرای آن را آغاز کند.

عراقچی توضیح داد: «ما از طریق میانجی‌ها طرحی را به آمریکا ارائه کرده‌ایم که براساس آن اگر شرایط مشخصی محقق شود، تنگه هرمز در پایان روز هفتم باز خواهد شد و مذاکرات از سر گرفته می‌شود». او نیز مانند پزشک‌یکان تأکید کرد که بهتر است، توافق پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا حاصل شود.

دیپلماسی ادامه دارد

در واشنگتن نیز مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، تلاش کرده درباره مذاکرات با احتیاط سخن بگوید. او دستیابی به توافق را نیازمند تلاش مستمر در یک بازه زمانی دانست و گفت که نمی‌خواهد گفت‌وگوهای جاری را یک پیشرفت بزرگ جلوه دهد اما نفس انجام گفت‌وگوها را اتفاقی مهم توصیف کرد. اکنون عراقچی قرار است دست‌کم تا روز دوشنبه در نیویورک بماند و رایزنی‌ها با حضور میانجی‌های منطقه‌ای ادامه پیدا کند. محور اصلی این تلاش‌ها احیای تفاهم اسلام‌آباد در قالبی تازه یا دستیابی به تفاهمی جدید است. مسئله اصلی دیگر صرفاً محتوای توافق نیست؛ بلکه شکل اجرای آن نیز اهمیت دارد. هر دو طرف باید بتوانند، اقدامی را بپذیرند که در داخل به‌عنوان عقب‌نشینی یا تسلیم یک‌جانبه تعبیر نشود. پیشنهاد مرحله‌ای ۷روزه عراقچی و پیوند دادن بازگشایی هرمز با کاهش فشار اقتصادی آمریکا، تلاشی برای حل همین معادله است. معادله‌ای که یک سوی آن پایان جنگ، توقف خصومت‌ها و بازگشت به مذاکره قرار دارد و سوی دیگرش اختلاف بر سر ترتیب اقدامات و این پرسش تعیین‌کننده که کدام طرف باید نخستین گام را بردارد.

در همین حال، وال‌استریت ژورنال نوشت: کشورهای حاشیه خلیج فارس بر سر تلاش‌ها برای از سرگیری مذاکرات میان آمریکا و ایران دچار اختلاف شده‌اند. براساس این گزارش، عربستان سعودی معتقد است ایران باید پیش از هرگونه توافق با فشار بیشتری مواجه شود و در این زمینه به حملات به کشتیرانی در خلیج فارس و اقدامات حوثی‌ها در یمن استناد می‌کند.

قطر و عمان از بازگشایی مرحله‌ای تنگه هرمز و دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک حمایت می‌کنند.

گفت: «اگر نه، قبل از انتخابات یا بعد از انتخابات چه فرقی برای ما می‌کند؟»

نقش کلیدی هرمز

در همین حال، گزارش رویترز از مذاکرات جاری در نیویورک نشان می‌دهد که موضوع تنگه هرمز به یکی از مهم‌ترین اجزای چانه‌زنی میان تهران و واشنگتن تبدیل شده است. براساس این گزارش، ایران و آمریکا در حال بررسی یک توافق مرحله‌ای برای خروج از وضعیت جنگی هستند؛ توافقی که می‌تواند با بازگشایی تنگه هرمز از سوی ایران و لغو محاصره اقتصادی از سوی آمریکا آغاز شود. اما مشکل اصلی همچنان پابرجاست: هیچ‌یک از دو طرف نمی‌خواهد، نخستین طرفی



باشد که اهرم فشار خود را کنار می‌گذارد. منابع ایرانی و غربی به رویترز گفته‌اند یکی از راه‌های عبور از این بن‌بست می‌تواند، توافقی مرحله‌بندی‌شده، باشد.

در چنین سناریویی، ایران در ازای لغو محاصره اقتصادی آمریکا و احتمالاً دسترسی به دارایی‌های مسدود شده، امکان کشتیرانی در تنگه هرمز را فراهم می‌کند.

این مدل در واقع تلاش می‌کند، مشکل اصلی مذاکرات را حل کند: چگونه می‌توان همزمان امتیاز داد و از نظر سیاسی متهم به عقب‌نشینی یک‌جانبه نشد؟

طرح ۷روزه عراقچی

در همین چارچوب، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، از پیشنهادی مشخص‌تر سخن گفته است. روزنامه نیویورکتایمز گزارش داد، تهران از طریق میانجی‌ها طرحی ۷روزه را به واشنگتن ارائه کرده که براساس آن ابتدا خصومت‌ها



سال نهم شماره ۲۳۳۶
شنبه ۴ مهر ۱۴۰۵

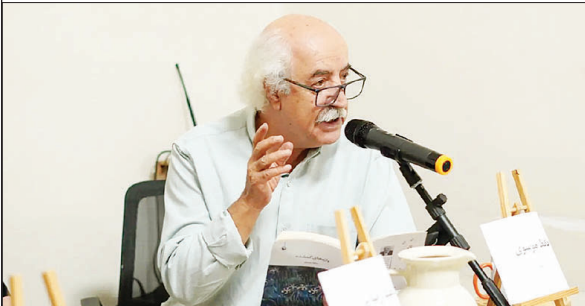
تازه‌های ادب و هنر

کافه

ادبیات ایران

از بازماندگان نسل آرمان‌گرا

رونمایی از مجموعه شعر **واژه‌های گمشده**
سرودهٔ حافظ موسوی



نشست رونمایی از مجموعه شعر «واژه‌های گمشده» سرودهٔ حافظ موسوی، از تازه‌های نشر مروارید با حضور کامیار عابدی، پژوهش‌گر و منتقد ادبی و حافظ موسوی در مؤسسه تهرنگ اندیشه و خیال، پنج‌شنبه دوم مهر برگزار شد. در این نشست، حاضران دربارهٔ کتاب «واژه‌های گمشده»، شعر و جهان ادبی حافظ موسوی و جایگاه این اثر در کارنامهٔ ادبی او سخن گفتند و بخش‌هایی از این کتاب را با یکدیگر مرور کردند. حافظ موسوی در این نشست دربارهٔ مجموعه شعر «واژه‌های گمشده» توضیح داد: قرار بود اسم کتاب «محاکمه در سکوت و مکالمه غیابی» باشد، اما به دلیل این‌که ممکن بود ایرادهایی بر این عنوان گرفته شود، عنوان کتاب را تغییر دادم». او در ادامه شعری از این مجموعه را برای حاضران خواند.

نخستین شاعری که به مسائل اجتماعی خاورمیانه پرداخت

کامیار عابدی نیز دربارهٔ ویژگی‌های شعر حافظ موسوی در سال ۱۳۶۷ توضیح داد: «شعر او در این سال از طبیعت فاصله گرفت و وارد جریان اجتماعی شد، از آن پس شعر موسوی با اشعاری که پیش از انقلاب می‌سرود، متفاوت شد. در این سال‌ها تأکید موسوی و شاعرانی دیگر مانند سیمین بهبهانی بر مفهوم آزادی است. در این سال‌ها موسوی خود را از جمله شاعران روشن‌فکر می‌داند و می‌توان گفت دورهٔ جدیدی در شعرش آغاز می‌شود». این منتقد ادبی با تأکید بر دوره‌ای که حافظ موسوی از شاعری که از طبیعت صحبت می‌کرد، به شاعری که در داخل پیچیدگی‌های شهری قرار گرفته است، تغییر کرد، گفت: «موسوی به‌جای این‌که جنبهٔ اجتماعی و بشری مسائل را ببیند یا به شعرش جنبهٔ ملی (در برخی از اشعار موسوی جنبه‌های ملی مشهود است) بدهد، مفهومی را برای شناخت جامعه خود برمی‌گزیند، او متوجه موقعیت خاورمیانه ایران است و تلاش می‌کند مسائل اجتماعی را در چارچوب خاورمیانه ببیند؛ تاجایی که دقت کردم، قبل از او تا این وسعت وجود نداشته است». عابدی با اشاره به وجود شخصیت‌های مختلف در برخی از شعرهای حافظ موسوی، بیان کرد: «چندصدایی در ادبیات ما ضعیف است، چند شعر در مجموعه شعر «واژه‌های گمشده» وجه نمایشی دارد. موسوی با این‌که از بازماندگان نسل آرمان‌گرا است، یک‌طرفه به قاضی نمی‌رود و در شعرش با شاعرانی که می‌شناسد و سخنور آینده و گذشته، تلاش می‌کند با جامعه ارتباط برقرار کند». به گفتهٔ او موسوی تلاش کرده علاوه بر بیان موقعیت‌ها و همچنین از نگاه آینده نسبت به موقعیت کنونی، جلوه‌های مختلف اجتماعی را بشناساند و نسبت به شاعران و نویسندگان چپ گرا انتقادها را بیان کند».

شاعر غریزی

حافظ موسوی متولد ۱۵ اسفند ۱۳۳۳ در رودبار گیلان است. از ۱۸ سالگی سرودن شعر را آغاز کرده بود، با وقوع انقلاب و جنگ و جو متشنج سیاسی دههٔ ۶۰ مانند بسیاری از هم‌نسلانش از شرایط لازم برای تداوم فعالیت ادبی و انتشار اشعار خویش محروم شد تا این‌که در اواخر دههٔ ۶۰ پس از انتشار چند نشریهٔ مستقل ادبی مانند «آدینه»، «دنیای سخن»، «گردون» و «تکاپو» به همکاری با آن‌ها پرداخت و تعدادی از اشعار و مقالات خود را منتشر کرد. در اوایل دههٔ ۷۰ با جمعی از دوستان شاعر خود یک گروه شعری تشکیل داد. این گروه که بعدها به‌نام «شاعران دههٔ هفتاد» معروف شد، در شکل‌گیری و رشد جریان شعر دهه ۷۰ نقش قابل‌ملاحظه‌ای داشت. نخستین مجموعه شعر او با عنوان «دستی به شیشه‌های مه گرفته دنیا» سال ۱۳۷۳ منتشر و برندهٔ قلم زرین مجلهٔ «گردون» شد. «سطرهای پنهانی» دومین مجموعه شعر او پس از سه سال توقف در وزارت ارشاد، سال ۱۳۷۸ منتشر شد. این کتاب از سوی هیأت داوران جایزهٔ مستقل ادبی فرایوان به‌عنوان یکی از ۶ کتاب برگزیدهٔ شعر دههٔ ۷۰ معرفی شد. حافظ موسوی مدتی دبیر تحریریهٔ مجلهٔ «کارنامه» بود و پس از درگذشت منوچهر آتش‌س، مسئولیت کارگاه شعر کارنامه را به‌عهده داشت. پس از توقیف مجلهٔ «کارنامه»، مجلهٔ الکترونیکی شعر «واژنا» را با همکاری اعضای کارگاه شعر کارنامه منتشر کرد. موسوی به همراه شمس‌لنگرودی، شهاب مقرین انتشارات آهنگ دیگر را پایه‌گذاری کردند. او در حال حاضر از اعضای انون نویسندگان ایران است. بسیاری از منتقدان درباره شعر او معتقدند که در یک دوره نوعی طبیعت‌گرایی دارد، نه از جنس رمانتیسم، بلکه از جنس نوعی بیان شعری از مسائل ساده. به گفتهٔ خودش، شعر را غریزی شروع کرده است و هرگز شیفته‌وار به سراغ جریان‌های نو و فضاهای نرفته و سعی کرده با احتیاط حرکت کند. «شعرهای جمهوری»، «زن، تاریکی، کلمات»، «خردریز خاطرها و شعرهای خاورمیانه»، «پانوشت‌ها در نقد و بررسی آرا نیما یوشیج» و «امادیان سیاه» از دیگر آثار حافظ موسوی هستند.

واژه‌های گمشده

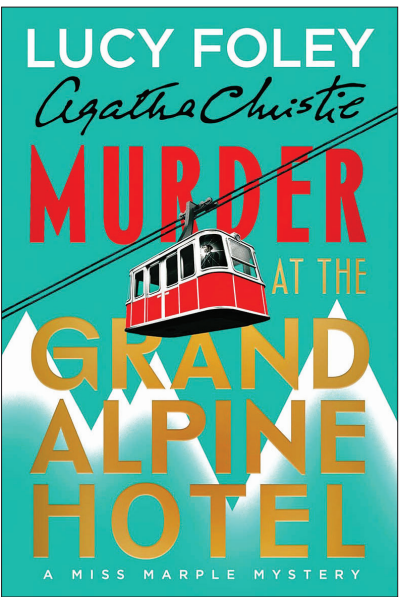
حافظ موسوی



بازگشت خانم مارپل

لوسی فولی کتاب **قتل در گراند هتل آلپ** را با محوریت شخصیت جین مارپل نوشته است

آگاتا کریستی و هم‌چنین ۲۰ داستان کوتاه از مجموع ۱۶۰ داستان کوتاه او حضور یافت. با فروش بیش از یک میلیارد نسخه از کتاب‌های آگاتا کریستی به زبان انگلیسی و یک میلیارد نسخه دیگر در قالب ترجمه، آثار او در زمرهٔ محبوب‌ترین و ماندگارترین نوشته‌های تاریخ ادبیات جای دارند. اما با وجود این‌که در سال ۲۰۱۳ از سوی خانوادهٔ کریستی به سوفی هانا گفته شد تا ادامه رسمی رمان‌های پوآرو را بنویسد، هرگز از کسی خواسته نشده بود که داستانی جدید درباره خانم مارپل خلق کند؛ تا این‌که نوبت به لوسی فولی رسید.



لوسی فولی، نویسندهٔ بریتانیایی رمان‌های معاصر معمایی است. رمان‌های او با عنوان‌های «آپارت‌مان پاریس» و «فهرست مهمانان» ازجمله پرفروش‌ترین رمان‌های نیویورک تایمز هستند. با چنین سابقه‌ای به او پیشنهاد شد تا رمانی جنایی با شخصیت محبوب آگاتا کریستی، نویسنده پرآوازه داستان‌های جنایی یعنی «جین مارپل» بنویسد. لوسی فولی در گفت‌وگو با «گاردین» دربارهٔ رمان جنایی «قتل در گراند هتل آلپ / Murder at the Grand Alpine Hotel» می‌گوید: «وقتی از من خواسته شد، نخستین رمان با محوریت شخصیت خانم مارپل را از زمان انتشار «قتل خفته» پس از مرگ آگاتا کریستی شهیر، بنویسم، فوراً به مادر بزرگم فکر کردم. اولین برخورد من با دنیای آگاتا کریستی از طریق او بود. حالا که فکرش را می‌کنم، او از بسیاری جهات شخصیتی نسبتاً شبیه به مارپل داشت: یک بافنده و باغبان مشتاق با ذهنی درخشان (او می‌توانست جدول کلمات متقاطع «بزرگ» را در حدود ۱۵ دقیقه تکمیل کند)، بسیار باهوش در مورد مردم و طبیعت انسان و با یک قطب‌نمای اخلاقی قدرتمند بود. در حالی‌که بیش از حد مهربان و سخاوتمند بود، گاهی اوقات، مانند خانم مارپل، جنبه‌ای پولادین‌تر از خود نشان می‌داد».

آگاتا کریستی شخصیت جین مارپل را سال ۱۹۲۷ در داستانی ویژه مجلهٔ کریسمس با عنوان «باشگاه سه‌شنبه‌شب / The Tuesday Night Club» خلق کرد و این بانوی سال‌خورده با موهای سپید نخستین‌بار در سال ۱۹۳۰ با کتاب «قتل در خانه کشیش» یا به دنیای رمان‌ها گذاشت. خانم مارپل که در قلب خوانندگان با هرکول پوآرو رقابت می‌کرد، در ۱۲ رمان از ۶۶ رمان کارآگاهی

نقد: سینمای ایران

عطاران بدون قصه

نگاهی به فیلم «خانم والده» ساخته سهیل موفق



فرزانه متین

روزنامه‌نگار

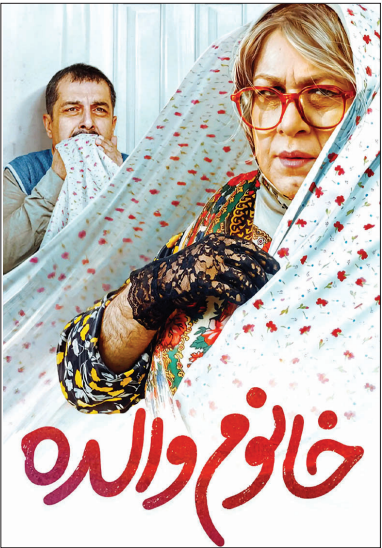
همانطور که سینما‌نیزمند آثاری درسته ملودرام و تراژدی است، بی‌تردید به ساختن فیلم‌های طنز و کمدی احتیاج دارد. باید گفت «خانم والده» به کارگردانی سهیل موفق، اثری درجه یک یا حتی درجه دو نیست، بلکه صحنه‌های کمدیک آن، تنها برای ویرال‌شدن ساخته شده است. «خانم والده» از آن دسته فیلم‌هایی است که پیش از تماشای آن، حضور رضا عطاران و گریم زنانه‌اش می‌تواند این تصور را ایجاد کند که قرار است با یک کمدی موقعیت روبه‌رو باشیم؛ فیلمی که از یک ایده ساده، موقعیت‌های تازه و خلاقانه بسازد و از بازی بازگرش برای خلق لحظات کمدیک استفاده کند. اما مشکل اصلی فیلم سهیل موفق، از همان‌جایی آغاز می‌شود که متوجه می‌شوم ایده اصلی فیلم، نه نقطه شروع یک فیلم‌نامه، بلکه تقریباً تمام داشته فیلم‌ساز است. در واقع، زنیوشی رضا عطاران در نقش کریم، موتور محرکه فیلم است و اگر این زنیوشی را از آن بگیریم، فیلم هیچ چیزی ندارد. همان‌طور که گفته شد «خانم والده» بیش از آنکه یک کمدی داستان‌گو باشد، مجموعه‌ای از موقعیت‌های پراکنده است که قرار است با گریم و لباس زنانه رضا عطاران و عباس جمشیدی‌فر تماشاگر را بخندانند.

داستان درباره دو برادر بدهکار است که به شکلی غیرمنتظره صاحب ارثی می‌شوند و تصور می‌کنند با رسیدن به این پول می‌توانند مشکلات مالی‌شان را حل کنند. اما رسیدن به این ارث، آنها را وارد موقعیت‌هایی می‌کند که در نهایت تغییر ظاهر و زنیوشی، تبدیل به موتور اصلی اتفاقات فیلم می‌شود. مشکل اینجاست که فیلم‌ساز توانسته از همین ایده اولیه، یک موقعیت کمدی واقعی بسازد. در کمدی، صرف داشتن یک موقعیت عجیب یا ظاهر متفاوت یک بازگر کافی نیست. باید شخصیت ساخته شود، موقعیت شکل بگیرد، تضاد ایجاد شود و شوخی از دل داستان بیرون بیاید. در «خانم والده» اما بیشتر اوقات احساس می‌کنیم شخصیت‌ها برای رسیدن به شوخی ساخته شده‌اند، نه اینکه شوخی از دل شخصیت‌ها

و قصه بیرون آمده باشد. رضا عطاران بازیگری است که بخش مهمی از محبوبیت‌اش را نه‌فقط از اجرای شوخی، بلکه از توانایی‌اش در ساختن شخصیت‌های پیمادماندنی به‌دست آورده است. او در بسیاری از آثارش توانسته از ساده‌ترین رفتارها و واکنش‌ها، موقعیت کمدیک بسازد. اما در «خانم والده» این ظرفیت تا حد زیادی در اختیار گریم و لباس قرار گرفته است. فیلم به‌جای آنکه از عطاران بازی بگیرد، بیشتر روی ظاهر متفاوت او حساب باز کرده است. گویی کافی است عطاران را با لباس زنانه مقابل دوربین قرار دهیم تا خنده اتفاق بیفتد. در حالی‌که چنین فرمولی حتی اگر زمانی جواب داده باشد، امروز به تنهایی نمی‌تواند یک فیلم سینمایی را پیش ببرد. زنیوشی در سینما، به‌خودی خود نه امتیاز است و نه ایراد. ما سه فیلم ماندگار در این زمینه در تاریخ سینمای جهان داریم؛ بعضی‌ها داغشو دوست دارند» اثر بیلی وایلدر که زنیوشی را با فرار از گانگسترها و روابط عاشقانه پیوند می‌زند، فیلم دیگر «توتسی»

ساخته سیدنی پولاک، داستین هافمن برای پیدا کردن کار، هویت یک زن را برای خودش می‌سازد. اینجا زنیوشی صرفاً یک شوخی نیست و فیلم از این موقعیت برای حرف زدن درباره مناسبات کاری، جنسیت و نگاه جامعه به زنان استفاده می‌کند. فیلم «ویکتور/ویکتوریا» اثر بلیک ادوارز که اساساً با چندلایه کردن هویت، بازی پیچیده‌تری با زن و مرد بودن انجام می‌دهد.

در «خانم والده» اما زنیوشی بیش از آنکه بخشی از شخصیت‌پردازی باشد، تبدیل به ابزار اصلی شوخی شده است. اینجاست که فیلم به‌جای استفاده درست از یک شوگرد قدیمی کمدی، به‌تکرار همان شوگرد بسنده می‌کند. در واقع مسئله این نیست که چرا عطاران زن شده؛ مسئله این است که فیلم بعد از زن شدن او چه چیزی برای گفتن دارد؟ پاسخ چندان امیدوارکننده نیست. فیلم‌نامه حمزه صالحی، بیش از آنکه یک روایت منسجم داشته باشد، به‌دنبال پیدا کردن موقعیت‌هایی برای شوخی است. در چنین

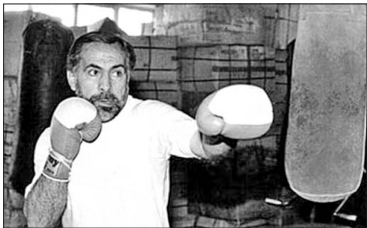




گزارش: ورزش ایران

راند آخر

درگذشت احمد ناطق نوری
مردی که ۲۸ سال رئیس بوکس بود



احمد ناطق نوری، رئیس پیشین فدراسیون بوکس ایران روز جمعه، سوم مهر ۱۴۰۵، پس از سال‌ها تحمل بیماری و ۸۹ سالگی درگذشت؛ مردی که نامش برای نزدیک به سه دهه با بوکس ایران گره خورده بود. ناطق نوری فقط رئیس یک فدراسیون نبود؛ بخشی از تاریخ این رشته در ایران بود؛ تاریخی که از احیای بوکس پس از انقلاب آغاز شد، از سال‌های طولانی مدیریت او عبور کرد و با مجموعه‌ای از موفقیت‌ها، ناکامی‌ها، حاشیه‌ها و البته بحث‌های فراوان درباره ماندگاری یک مدیر به پایان رسید.

او متولد روستای اوزکلا در نور مازندران بود، اما بخش مهمی از زندگی‌اش در تهران و در فضای بازار و ورزش گذشت. خودش بارها از روزگاری گفته بود که در پارک شهر، بوکس تمرین می‌کرد و عضو تیم ملی بود. حتی خاطره‌ای که بیش از هر چیز درباره رابطه او با بوکس در ذهن مانده، به سال ۱۳۴۲ بازمی‌گردد؛ زمانی که در جریان تظاهرات ۱۵ خرداد، با ضربه قنداق تنگ یک مأمور مجروح شد و به روایت خودش، با مشت به صورت او زد و گریخت. ناطق‌نسوری بعدها می‌گفت اگر بوکس بلد نبود، شاید آن روز زنده نمی‌ماند. همین پیوند شخصی، بعدها به رابطه‌ای تاریخی میان او و رشته‌ای تبدیل شد که پس از انقلاب برای مدتی از فعالیت بازمانده بود. سال ۱۳۶۸، بوکس ایران پس از حدود هفت سال تعطیلی، دوباره امکان فعالیت پیدا کرد و احمد ناطق نوری، ریاست فدراسیون را برعهده گرفت. از آن زمان تا سال ۱۳۹۶، به مدت حدود ۲۸ سال، صندلی ریاست فدراسیون را ترک نکرد؛ رکوردی که او را به یکی از قدیمی‌ترین مدیران ورزش ایران تبدیل کرد. ناطق نوری در این سال‌ها فقط یک مدیر ورزشی نبود. او هفت دوره نماینده نور و محمودآباد در مجلس شورای اسلامی بود و با مدیران ورزشی دولت‌های مختلف همکاری کرد. از حسن غفوری‌فرد و مصطفی هاشمی‌طبا تا محسن مهرعلیزاده، محمد علی‌آبادی و علی سعیدلو. در مقطعی حتی نام او به‌عنوان یکی از گزینه‌های سرپرستی وزارت ورزش مطرح شد. قدرت ارتباطی و جایگاه سیاسی‌اش به او اجازه می‌داد در ساختار ورزش کشور حضوری فراتر از جایگاه رسمی رئیس یک فدراسیون داشته باشد. اما همین ماندگاری طولانی، مهم‌ترین بخش بحث درباره میراث او نیز شد.

ناطق نوری برای هوادارانش، مردی بود که اجازه نداد این رشته دوباره حذف شود. در دوره‌ای که بوکس با محدودیت‌های جدی روبه‌رو بود، فدراسیون را حفظ کرد، اردوهای تیم‌های ملی را برپا نگه داشت و برای حضور بوکسورها در مسابقات خارجی تلاش کرد. در دوره او، محمدعلی کلی، بوکسور افسانه‌ای و مسلمان آمریکایی، به ایران سفر کرد؛ اتفاقی که برای این رشته اهمیت نمادین داشت. اما سویی دیگر این تصویر، کارنامه‌ای است که منتقدانش بارها به آن اشاره کرده‌اند. ناکامی‌های متعدد در مسابقات جهانی و المپیک، پناهندگی چند بوکسور، ماجراهای دوپینگ، مشکلات مالی ورزشکاران، حاشیه‌های مربوط به اعزام‌ها، بی‌نظمی در برخی مسابقات و انتقاد از عدم‌گردش مدیریت، بخشی از روایت انتقادی درباره سال‌های ریاست او بود. حتی برخی اتفاقات عجیب نیز به بخشی از تاریخ ریاست ناطق‌نوری تبدیل شدند. در المپیک ۱۹۹۲ بارسلون، ماجرای علی‌اصغر کاظمی و نرسیدن دستکش‌های او به رینگ، یکی از عجیب‌ترین تصاویر تاریخ بوکس ایران را ساخت. در المپیک سیدنی نیز مثبت شدن تست دوپینگ دو بوکسور ایرانی و ماندن یکی از آنان در استرالیا، حاشیه بزرگی برای فدراسیون ایجاد کرد. سال‌ها بعد نیز ماجرای پناهندگی انوشیروان نوریان، همچنان در گفت‌وگوها و روایت‌های مربوط به آن دوره تکرار می‌شد. در کنار همه اینها، مسئله پخش تلویزیونی بوکس یکی از دغدغه‌های همیشگی ناطق‌نوری بود. او بارها از مسئولان صداوسیما خواست امکان پخش این رشته را فراهم کنند و استدلالش این بود که بوکس، با وجود قدمت و سابقه مدال‌آوری، نباید از قاب تلویزیون حذف شود. او حتی در گفت‌وگویی گفته بود که مشکل بوکس را باید از مسئولان پرسید: «بوکس چه گناهی کرده است؟» این جمله شاید خلاصه‌ای از رابطه پیچیده او با رشته‌ای باشد که بیش از هر چیز به آن وفادار ماند. ناطق‌نوری معتقد بود بوکس به او زندگی بخشیده و به همین دلیل خود را مدیون آن می‌دانست. در سال‌های پایانی ریاست‌اش نیز وقتی از حضور طولانی در فدراسیون انتقاد می‌شد، بارها از همین پیوند شخصی سخن می‌گفت. در سال ۱۳۹۳، حتی زمانی که به دلیل بازنشستگی امکان نامزدی‌اش محل بحث بود، سرانجام با دریافت مجوز در انتخابات فدراسیون شرکت کرد و در انتخاباتی که رقبای او از ادامه رقابت انصراف داده بودند با ۳۶ رأی از مجموع ۳۸ رأی به ریاست رسید. سه سال بعد اما دوره طولانی ریاست‌اش پایان یافت. در مرداد ۱۳۹۶، ناطق‌نوری استعفا داد و وزیر ورزش با استعفای او موافقت کرد و او را به‌عنوان رئیس افتخاری فدراسیون منصوب کرد. از آن روز دیگر او رئیس فدراسیون نبود، اما نامش همچنان از بوکس ایران جدا نشد.

ناطق‌نسوری را می‌توان همزمان از دو زاویه دید؛ مدیری که در حساس‌ترین دوره حیات بوکس، این رشته را دوباره سرپا نگه داشت و مدیری که طولانی شدن حضورش، خود به یکی از موضوعات اصلی نقد درباره بوکس تبدیل شد. میان این دو تصویر، نزدیک به سه دهه تاریخ ورزش ایران قرار دارد؛ تاریخی که در آن رینگ، مجلس، سیاست، مدیریت و زندگی شخصی او بارها به یکدیگر رسیدند. حالا احمد ناطق‌نوری از این صحنه کنارت رفته، اما میراث او همچنان روی رینگ باقی است؛ میراثی که بخشی از آن را می‌توان در بازگشت بوکس به ورزش ایران دید و بخشی دیگر را در پرسش‌هایی که هنوز درباره سه دهه مدیریت او بی‌پاسخ مانده‌اند. شاید همین تناقض است که ناطق‌نوری را از یک رئیس فدراسیون ساده جدا می‌کند: او برای بوکس ایران فقط یک مدیر نبود؛ خودش یکی از فصل‌های بلند تاریخ این رشته بود.



تلاش برای تقلید موبه‌موی سبک او، محکوم به شکست بود. از نظر خلاقانه هم چنین کاری لطفی نداشت. از همان ابتدا دریافتم که این کتاب قرار است با آثار اصلی و در واقع، با سایر کتاب‌های آگاتا کریستی وارد گفت‌وگو شود؛ اما درعین‌حال، عناصری تازه ارائه دهد و بدین‌وسیله، دلیل هستی مستقل خود را داشته باشد. وقتی در جریان تحقیقاتم متوجه شدم که رمان «مرگ بر روی رود نیل» در اصل قرار بوده داستانی با حضور خانم ماریل باشد، نقطه شروع کارم را پیدا کردم؛ این همان راه ورود من به پروژه بود. فرصتی برای گنجاندن علاقه شخصی‌ام به لوکیشن‌های سینمایی و در واقع همان ویژگی‌هایی که در رمان‌های پرزرق‌وبرق پوآرو بود و دوست داشتم در ماجراجویی تازه‌ای از خانم ماریل هم باشد. تصمیم گرفتم او را به تعطیلات ببرم؛ به اتریاغات آلپ سسوتیس و «هتل گراند آلباین»؛ جایی با چشم‌اندازهای باشکوه کوهستانی و دسترسی اختصاصی به دامنه‌های پوشیده از برف نرم و پودری. هم چنین دریافتم که استفاده از اوایان متعدد با زاویه دید اول‌شخص، روشی جذاب برای بازآفرینی هنرمندی کریستی خواهد بود؛ اینکه با نشان دادن واکنش شخصیت‌ها نسبت به خانم ماریل و این که چطور هرکدام به نوبت او را دست‌کم می‌گیرند، تحسینش می‌کنند یا از او هراس دارند، اطلاعات بسیاری درباره خود آن شخصیت‌ها به ما می‌دهد. در نهایت، می‌خواستم کتابم با زمانه ما نیز پیوند داشته باشد. هدفم این نبود که به زور مضامین خاصی را در آن بگنجانم، بلکه می‌خواستم وجوه اشتراک میان آن دوران و امروز را برجسته کنم. با این کار، قصد داشتم هراس جامعه مدرن از پیری و آن «نامرئی بودن» دوران سالمندی را به چالش بکشم؛ وضعیتی که از زمان کریستی تاکنون تغییر چندانی نکرده است. می‌خواستم بر رواج نوعی خودشیفتگی مردانه و مخرب در کانون فرهنگ و سیاست تأکید کنم؛ چهره‌هایی که گاه کوشیده‌اند تاریخ را به نفع مقاصد خود بازنویسی کنند یا ردپای خطاهای گذشته‌شان را محو سازند؛ و ظاهراً همه این کارها هم بدون هیچ‌گونه پیامد و تاوانی برایشان انجام شده و این مرا به نکته دیگری می‌رساند که در آثار کریستی دوست دارم: آن رضایت تلخ و گزنده از دیدن این که چگونه گذشته، سرانجام گریبان‌گیر بدکاران می‌شود؛ همان اجرای عدالت و رسیدن هر کس به سزای اعمالش. شاید این اتفاق در دنیای واقعی بیرون رخ ندهد، اما آسوده‌خاطر باشید که این‌جا، در این کتاب، چنین می‌شود».



از آن جنبه‌های ناگهانی و غافل‌گیرکننده شخصیت‌اش که رنگ‌وبویی تیره و مرموز داشتند، لذت می‌بردم. هم چنین برام بسیار جذاب بود که در حالی که کتاب‌های پوآرو فضایی فارغ از زمان دارند، داستان‌های خانم ماریل تصویری شگفت‌انگیز از تحولات اجتماعی بریتانیا در گذر دهه‌ها ارائه می‌دهند: دهه ۱۹۳۰ در کتاب «قتل در خانه کشیش» و دهه ۱۹۵۰ در کتاب «آینه از این‌سو به آن‌سو ترک برداشت» که در آن شهرک مسکونی جدیدی ساخته شده، به‌خوبی آن را نشان می‌دهد گرفته تا دغدغه‌های پس از جنگ دربارهٔ ناشناس ماندن همسایه‌ها در کتاب «اعلام یک قتل» و حال‌وهوای جسورانه و پرشور دهه ۱۹۶۰ در کتاب هتل برترام».

در امتداد آگاتا کریستی

لوسی فولی دربارهٔ اثر خود «قتل در گراند‌هتل آلپ» می‌گوید: «هنگام طرح‌ریزی رمان خودم، به درک تازه‌ای از تمام این موارد رسیدم. می‌دانستم که خود خانم ماریل کلید ماجرا و عنصری است که باید آن را بی‌نقص از کار درمی‌آورد. او باید همان خانم ماریل خلق‌شده توسط کریستی می‌بود؛ با تمام پیچیدگی‌ها و هوشمندی‌اش. عامل حیاتی دیگر، بی‌نقص بودن ساختار داستانی کریستی بود؛ همان عنصری که در دوران جوانی مرا تا پاسی از شب بیدار نگه می‌داشت تا با استفاده از سرنخ‌های موجود، سعی کنم قاتل را حدس بزنم. اما می‌دانستم در سایر جنبه‌ها باید مسیری نو در پیش بگیرم. نمی‌خواستم این کتاب صرفاً تقلیدی کورکورانه از سبک کریستی باشد؛ چراکه تنها یک آگاتا کریستی وجود داشت و

در مکان‌های جذاب و دورافتاده‌ای تجربه می‌کند: ریویرای فرانسه، مصر، جزایر یونان و کوه‌های دولومیت، تنها چند نمونه از این مکان‌ها هستند. برای خواننده‌ای جوان‌تر، دنیای خانم ماریل در مقایسه با آن، در ابتدا بسیار کوچک و محدود به نظر می‌رسید. تنها زمانی که در بزرگ‌سالی دوباره آن کتاب‌ها را خواندم، به نبوغ این شخصیت پی بردم و متوجه شدم کریستی چه رویکرد هوشمندانه و جسورانه‌ای داشته است؛ این که یک زن سالخورده و مجرد را به کارآگاه چیره‌دست خود بدل کرده است؛ شخصیتی که جایگاهی میان یک کارآگاه و یک ناظر صرف دارد. او یکی از آن زنانی را که جامعه نادیده گرفته بود - زنانی که پس از جنگ جهانی اول به دلیل نیافتن شریک زندگی، هم مورد ترحم و هم مایه سرزنش بودند - برگزید و نشان داد چگونه او می‌تواند با بهره‌گیری از «نامرئی بودن» خود (به‌مثابه نوعی نیروی خارق‌العاده)، از دیگر شخصیت‌ها پیشی بگیرد و آن‌ها را مغلوب هوش خود کند. به اعتقاد لوسی، آگاتا کریستی با خلق شخصیت خانم ماریل، یکی از اصول «پاشگاه کارآگاهان» (که خود عضو آن بود) را زیر پا گذاشت؛ اصلی که استفاده از «شهود زنانه» را برای حل معماهای جنایی ممنوع می‌دانست. بخش عمده‌ای از ماجراهای خانم ماریل بر پایهٔ شهود او پیش می‌رود؛ البته سرنخ‌های فیزیکی هم وجود دارند، اما آن‌چه گره‌گشای ماجرا می‌شود، درک او از ماهیت انسان است؛ درکی که بشکلی خاص و متمایز، «زنانه» تلقی می‌شود. لوسی در ادامه می‌گوید: «من به‌تدریج شیفتهٔ فروتنی و حس شوخ‌طبعی خانم ماریل شدم؛ او همیشه از شوخی‌ها سر در می‌آورد و با درک تصویری که دیگران از او دارند، با آن تصویر همراهی می‌کند.



از پایان کنجکاوی اولیه، دلیل دیگری برای ادامه تماشا داشته باشد. وقتی جذابیت اصلی فیلم در همان تصاویر تبلیغاتی خلاصه شود، پس از چند دقیقه از شروع فیلم، برگ برنده فیلم‌ساز دیگر چندان برگ برنده نیست.

حضور بازیگران متعدد نیز نتوانسته این ضعف را جبران کند. عباس جمشیدی‌فر در کنار رضا عطاران قرار گرفته اما رابطه میان این دو آنطور که باید تبدیل به یک زوج کمدی مؤثر نمی‌شود. شبنم قربانی، غلامرضا نیکخواه، ایمان صفا، گیتی قاسمی و علی دهکردی نیز در ترکیب بازیگران حضور دارند، در نهایت، «خانم والده» نمونه دیگری از کمدی‌هایی است که ایده اولیه را با فیلم‌نامه اشتباه گرفته‌اند. ایده می‌تواند شروع یک فیلم باشد اما نمی‌تواند جای فیلم‌نامه را بگیرد. رضا عطاران با گریم زنانه، اگر در دل یک شخصیت درست و یک داستان حساب‌شده، قرار می‌گرفت می‌توانست یکی

شرایطی شخصیت‌ها عمق پیدا نمی‌کنند و اتفاقات نیز ضرورت دراماتیک ندارند. مخاطب مدام منتظر است اتفاق بعدی بیفتد تا شاید فیلم بالاخره بتواند ریتم و انرژی خود را پیدا کند، اما بسیاری از موقعیت‌ها آنقدر قابل پیش‌بینی هستند که قبل از رسیدن شوخی، می‌توان حدس زد قرار است چه اتفاقی بیفتد. «خانم والده» نه فیلم‌نامه منسجمی دارد و نه کارگردانی مسلط.

یکی از مهم‌ترین مشکلات فیلم، همین فقدان غافلگیری است. کمدی زمانی می‌تواند موفق باشد که مخاطب را یک قدم عقب‌تر از خود نگه دارد؛ یعنی فیلم‌ساز اتفاقی را رقم بزند که تماشاگر انتظارش را ندارد. اما «خانم والده» در بسیاری از لحظات، دقیقاً همان چیزی را ارائه می‌کند که از چند دقیقه قبل انتظارش را داشته‌ایم. نتیجه هم مشخص است: به‌جای خنده، گاهی فقط انتظار برای تمام شدن موقعیت شکل می‌گیرد.

از طرف دیگر، فیلم تلاش می‌کند از مسائل مالی و گرفتاری‌های دو برادر هم برای پیشبرد داستان استفاده کند، اما بدهکاری و مشکلات اقتصادی شخصیت‌ها بیشتر یک بهانه داستانی است تا عنصری که واقعاً در شخصیت‌پردازی یا فضای اجتماعی فیلم تأثیر گذاشته باشد. اگر قرار است دو آدم بدهکار باشند، باید فشار این بدهکاری را در رفتار، تصمیم‌ها و انتخاب‌هایشان ببینیم. در «خانم والده» اما بدهکاری بیشتر حکم کلیدی برای باز کردن در قصه را دارد و بعد از آن، فیلم مسیر دیگری را طی می‌کند.

همین موضوع باعث می‌شود ادعای اجتماعی و خانوادگی بودنش را هم چندان جدی نگیریم. وقتی یک کمدی اجتماعی و خانوادگی ساخته می‌شود، انتظار داریم در کنار خنده، تصویری از یک وضعیت اجتماعی یا انسانی هم ارائه کند. اما «خانم والده» بیشتر در سطح شوخی‌های موقعیتی باقی می‌ماند و کمتر به لایه‌ای فراتر از آن دست پیدا می‌کند. شوخی‌های دمدستی، کلیشه‌ای، جنسی، مدت‌هاست در سینمای ایران به‌رسمیت پذیرفته شده اما تا چه زمانی آثار کمدی ما می‌خواهند این مسیر ساده و تکراری را طی کنند.

از سهیل موفق نیز انتظار می‌رفت که بتواند کنترل بیشتری بر جنس کمدی فیلم داشته باشد. کارگردانی کمدی فقط قرار دادن بازیگران شناخته‌شده کنار یکدیگر و طراحی موقعیت‌های شلوغ نیست. ریتم، میزانشن، زمان‌بندی شوخی، نحوه ورود و خروج شخصیت‌ها، ریتم و حتی سکوت میان دیالوگ‌ها در موقعیت یک کمدی نقش دارند. اما در «خانم والده» بسیاری از موقعیت‌ها به شکلی اجرا شده‌اند که انگار خود فیلم هم چندان به آنچه قرار است اتفاق بیفتد، اطمینان ندارد. مشکل دیگر «خانم والده» این است که فیلم بیش از اندازه روی این تصور حساب کرده که مخاطب برای دیدن رضا عطاران با ظاهر زنانه به سینما خواهد رفت. این شاید برای تیزر و تبلیغات، کنجکاوی ایجاد کند، اما یک فیلم سینمایی باید بعد

برندگان دلار

چه کسانی از جهش نرخ ارز سود می‌برند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

وقتی قیمت دلار افزایش پیدا می‌کند، نخستین چیزی که به‌چشم می‌آید، کاهش ارزش پول ملی است. قیمت کالا‌های وارداتی بالا می‌رود، هزینه تولید افزایش پیدا می‌کند و خانوارها خیلی زود اثر آن را در قیمت مواد غذایی، لوازم خانگی، دارو، مسکن و خدمات مختلف احساس می‌کنند. اما افزایش نرخ ارز هم‌زمان یک سازوکار بزرگ بازتوزیع درآمد و ثروت نیز هست. درحالی که بخشی از جامعه از جهش دلار زیان می‌بیند، گروه‌هایی نیز ممکن است از آن منتفع شوند. به همین دلیل پرسش مهم فقط این نیست که افزایش نرخ ارز چقدر تورم ایجاد می‌کند؛ پرسش این است که جهش دلار چه کسانی را ثروتمندتر و چه کسانی را فقیرتر می‌کند؟

پژوهش‌های تازه اقتصاددانان، سرنخی مهم برای پاسخ به این پرسش ارائه می‌کند. اقتصاددانان با بررسی اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۴ نتیجه گرفته‌اند که در میان متغیرهای مورد بررسی آنها، نرخ ارز قوی‌ترین اثر مثبت را بر نابرابری درآمدی دارد. آنها همچنین افزایش نقدینگی را با افزایش نابرابری مرتبط می‌دانند و نشان می‌دهند، تحریم نیز شکاف درآمدی را تشدید کرده است. البته برخی از این یافته‌ها حاصل یک چارچوب اقتصادسنجی مشخص‌اند و نباید آنها را به‌عنوان تنها توضیح نابرابری در ایران تلقی کرد اما یک نکته مهم را برجسته می‌کنند. اینکه تغییر قیمت دلار علاوه بر اینکه مسئله بازار ارز است، مسئله توزیع درآمد نیز هست. برای فهم این سازوکار کافی است دو خانوار فرضی را با یکدیگر مقایسه کنیم. دارای خانوار نخست عمدتاً شامل خانه، زمین، سهام، طلا و مقداری ارز است. خانوار دوم مستأجر است، پس‌انداز قابل‌توجهی ندارد و مهم‌ترین دارایی‌اش درآمدی است که در پایان هر ماه دریافت می‌کند. وقتی ارزش ریال به‌شدت کاهش پیدا می‌کند، وضعیت این دو خانوار یکسان تغییر نمی‌کند. ارزش اسمی بسیاری از دارایی‌های خانوار نخست همراه با تورم و نرخ ارز افزایش می‌یابد اما دستمزد خانوار دوم معمولاً با تأخیر تعدیل می‌شود. حتی اگر حقوق او در پایان سال افزایش یابد، ممکن است بخش قابل‌توجهی از قدرت خریدش پیش از آن از دست رفته باشد. در نتیجه، جهش ارز

می‌تواند، خطی نامریی میان دارندگان دارایی و دارندگان درآمد بکشد. کسی که بخش بزرگی از ثروتش را به شکل دارایی‌هایی نگه می‌دارد که قیمت آنها با تورم یا نرخ ارز حرکت می‌کند، دست‌کم امکان محافظت از بخشی از ثروتش را دارد. اما کسی که دارایی اصلی‌اش نیروی کار اوست چنین امکانی ندارد. قیمت دلار ممکن است در چند هفته دو برابر شود اما دستمزد کارمند، کارگر یا معلم نمی‌تواند در همان مدت دو برابر شود. این تفاوت یکی از مهم‌ترین کانال‌های بازتوزعی تورم و جهش ارزی است. گروه نخست برندگان احتمالی جهش دلار، خود دارندگان ارز هستند. فردی که پیش از جهش ارزی بخشی از دارایی خود را به دلار تبدیل کرده است با افزایش نرخ ارز ارزش ریالی دارایی‌اش افزایش می‌یابد. البته اگر قیمت همه کالاها به همان نسبت بالا رود، افزایش ثروت واقعی او به اندازه افزایش اسمی ارزش دلار نخواهد بود. با این حال در دوره‌ای که تعدیل قیمت‌ها ناهم‌زمان است، دارنده ارز معمولاً نسبت به فردی که پس‌اندازش را به ریال نگه داشته، موقعیت بهتری پیدا می‌کند. طلا نیز می‌تواند سازوکاری مشابه داشته باشد. از آنجا که قیمت داخلی طلا تحت‌تأثیر قیمت جهانی و نرخ ارز قرار دارد، جهش دلار معمولاً ارزش ریالی دارایی دارندگان طلا را افزایش می‌دهد. بنابراین خانواری که امکان پس‌انداز داشته و پیش از بحران بخشی از دارایی خود را به ارز و طلا تبدیل کرده است در برابر سقوط ارزش پول ملی سیر دفاعی دارد؛ سیری که خانوار فقیر اساساً قادر به خرید آن نبوده است. گروه دوم، برخی صاحبان دارایی‌های واقعی‌اند. مسکن، زمین و بعضی دارایی‌های سرمایه‌ای در اقتصاد تورمی می‌توانند تا حدودی نقش پناهگاه ارزش را بازی کنند. رابطه قیمت اِیسن دارایی‌ها با دلار یک‌به‌یک و فوری نیست اما کاهش ارزش پول ملی در بلندمدت معمولاً خود را در قیمت اسمی بسیاری از دارایی‌ها نشان می‌دهد. در نتیجه، تورم می‌تواند شکاف میان فرد صاحب خانه و مستأجر یا میان صاحب زمین و فرد فاقد دارایی را بزرگ‌تر کند. اما گروه سوم شاید از نظر اقتصادی مهم‌تر باشند: بنگاه‌های صادراتی. بنگاهی را تصور کنیم که محصول خود را به دلار می‌فروشد اما بخشی از هزینه‌هایش، ازجمله دستمزد، خدمات و برخی نهاده‌ها، ریالی است. با افزایش قیمت دلار، درآمد ریالی حاصل از هر دلار صادرات افزایش می‌یابد. اگر هزینه‌های داخلی بنگاه با همان سرعت افزایش پیدا نکنند، حاشیه سود آن می‌تواند بیشتر شود. یک پژوهش تازه صندوق بین‌المللی پول

در سال ۲۰۲۶ دقیقاً نرسخ ارز را از این منظر به‌عنوان یک «سازوکار توزیع» بررسی می‌کند. استدلال مقاله این است در شرایطی که قیمت صادرات عمدتاً به ارزهای مسلطی مانند دلار تعیین می‌شود، کاهش ارزش پول داخلی می‌تواند درآمد و حاشیه سود داخلی صادرکنندگان را افزایش دهد، درحالی که درآمد واقعی حقوق‌بگیران به دلیل افزایش قیمت مصرف‌کننده، کاهش می‌یابد. البته شدت این اثر به میزان نهاده‌های وارداتی بنگاه نیز بستگی دارد؛ صادرکننده‌ای که مواد اولیه و ماشین‌آلات زیادی وارد می‌کند هم‌زمان از افزایش هزینه واردات آسیب می‌بیند. همین نکته برای تحلیل شرکت‌های بورسی ایران اهمیت دارد. افزایش دلار الزاماً برای همه شرکت‌های صادراتی خبر خوبی نیست. باید پرسید درآمد ارزی شرکت چقدر است، چه میزان از مواد اولیه و تجهیزات خود را وارد می‌کند، ارز صادراتی را با چه نرخی تبدیل می‌کند و دولت چه محدودیت‌هایی بر قیمت‌گذاری محصولاتش اعمال کرده است. بنابراین برچسب ساده «شرکت دلاری» می‌تواند، گمراه‌کننده باشد. برنده واقعی جهش ارز بنگاهی است که درآمدش سریع‌تر از هزینه‌هایش با دلار تعدیل شود. گروه دیگری که در شرایط خاص می‌تواند از تورم ناشی از جهش ارز منتفع شود، بدهکاران ریالی‌اند. اگر فرد یا بنگاهی بدهی بلندمدت با نرخ ثابت داشته باشد و تورم افزایش پیدا کند، ارزش واقعی بدهی او کاهش می‌یابد. کسی که چند سال قبل وامی با مبلغ ثابت گرفته، ممکن است اقساطی بپردازد که نسبت به درآمد و قیمت دارایی‌های امروز بسیار کوچک‌تر شده است. در سوی مقابل، طلبکاری که مطالبات ریالی با نرسخ ثابت دارد، زیان می‌کند. اما این قاعده نیز مطلق نیست. اگر بدهی ارزی باشد، کاهش ارزش پول ملی، نتیجه را کاملاً معکوس می‌کند. تجربه کشورهای دیگر نشان داده است، خانوارها و بنگاه‌هایی که درآمد داخلی اما بدهی ارزی دارند ممکن است پس از سقوط ارزش پول با افزایش شدید بار واقعی بدهی مواجه شوند. بنابراین آنچه اهمیت دارد فقط «بدهکار بودن» نیست بلکه واحد پول بدهی و نوع قرارداد است. در طرف دیگر این بازتوزیع بزرگ‌ترین بازندگان معمولاً حقوق‌بگیران و خانوارهای فاقد دارایی‌اند. مسئله فقط این نیست که قیمت کالا‌های وارداتی افزایش پیدا می‌کند. بسیاری از کالا‌هایی که ظاهراً داخلی هستند نیز مستقیم یا غیرمستقیم به نرخ ارز وابسته‌اند؛ از مواد اولیه و ماشین‌آلات گرفته تا خوراک دام، قطعات، تجهیزات پزشکی و هزینه حمل‌ونقل. در نتیجه جهش دلار به‌تدریج در سراسر شبکه قیمت‌ها منتشر می‌شود. این فشار برای خانوار فقیر شدیدتر است. پژوهش معروف خاوری و کراوینو و آندری لوچنکو درباره کاهش شدید ارزش پزو مکزیک نشان داد که دو سال پس از کاهش ارزش پسل، افزایش هزینه زندگی برای دهک پایین درآمدی حدود ۱۰.۵ تا ۱۶.۶ برابر دهک بالای درآمدی بود. یکی از دلایل این تفاوت، سهم بیشتر کالا‌های قابل تجارت و کالا‌های ارزان‌قیمت در سبد مصرف خانوارهای فقیر بود. در ایران نیز پژوهشی درباره شوک نرخ ارز و «نابرابری تورمی» نشان داده که اثر افزایش نرخ ارز بر سبد مصرف خانوارهای فقیر و ثروتمند یکسان نیست. به بیان دیگر حتی

عدد رسمی تورم نیز ممکن است، تجربه متفاوت گروه‌های درآمدی از افزایش هزینه زندگی را کاملاً نشان ندهد. این همان جایی است که جهش دلار با مسئله طبقه متوسط نیز پیوند می‌خورد. محمدرضا فرزندگان و نادر حبیبی در مقاله‌ای نشان داده‌اند که تحریم‌ها پس از سال ۲۰۱۲ به کوچک شدن قابل‌توجه طبقه متوسط ایران منجر شده‌اند. آنها کاهش سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی، درآمد سرانه و تغییرات بازار کار را از مسیرهای مهم این اثر می‌دانند. بنابراین کاهش ارزش پول را نباید صرفاً از دریچه تورم دید. وقتی شوک‌های ارزی بارها تکرار می‌شوند، رفتار اقتصادی مردم نیز تغییر می‌کند. خانوارهایی که منابع بیشتری دارند، یاد می‌گیرند چگونه از ریال فرار کنند؛ از می‌خرند، طلا نگه می‌دارند، ملک می‌خرند یا دارایی خود را به خارج منتقل می‌کنند. خانوار کم‌درآمد چنین امکانی ندارد. درآمدش را دریافت می‌کند و بخش عمده آن را هم‌سان ماه خرج می‌کند. هرچه تورم مزمن‌تر شود «توان محافظت از ثروت» خود به یکی از عوامل ایجاد نابرابری تبدیل می‌شود. به همین دلیل جهش نرخ ارز را می‌توان نوعی بازتوزیع بزرگ و اغلب بدون مصوبه دانست. مجلس درباره آن تصمیم نمی‌گیرد و نام کسی در فهرست دریافت‌کنندگان و پرداخت‌کنندگان نوشته نمی‌شود اما میلیاردها تومان قدرت خرید میان گروه‌های مختلف جابه‌جا می‌شود. دارندگان بعضی دارایی‌ها، برخی صادرکنندگان و بدهکاران ریالی ممکن است در سمت برندگان قرار گیرند و حقوق‌بگیران، صاحبان پس‌انداز ریالی، مصرف‌کنندگان کالا‌های وابسته به واردات و خانوارهای فاقد دارایی در سمت بازندگان. البته نباید از این گزاره نتیجه گرفت که هر دارنده ملک یا هر صادرکننده‌ای از جهش دلار ثروتمند می‌شود. رکود، جنگ، کاهش تقاضا، محدودیت صادرات، افزایش هزینه نهاده‌ها و نااطمینانی می‌تواند، بخشی یا تمام منفعت ناشی از افزایش نرخ ارز را از بین ببرد. موضوع اصلی تغییر موقعیت نسبی گروه‌هاست. از همین منظر، پرسش مهم درباره جهش دلار در ایران دیگر فقط این نیست که «دلار تا کجا بالا می‌رود؟» پرسش بنیادی‌تر این است که هر بار که ریال سقوط می‌کند، ثروت و قدرت خرید از چه کسانی گرفته و به چه کسانی منتقل می‌شود؟ اگر پاسخ این باشد که گروه‌های برخوردار از دارایی و درآمد ارزی بهتر می‌توانند خود را در برابر سقوط ارزش پول محافظت کنند، درحالی که حقوق‌بگیران و خانوارهای فاقد دارایی بخش بیشتری از قدرت خرید خود را از دست می‌دهند، آنگاه بحران ارز فقط بحران ثبات اقتصاد کلان نیست. بحران توزیع ثروت نیز هست. و شاید مهم‌ترین پیامد تورم مزمن همین باشد: در اقتصادی که ارزش پول پیوسته کاهش می‌یابد، موفقیت اقتصادی فقط به میزان درآمد افراد وابسته نیست؛ به این هم بستگی دارد که افراد درآمد و ثروت خود را به چه شکلی نگهداری می‌کنند. در چنین اقتصادی، داشتن دارایی به ابزاری برای دفاع در برابر تورم تبدیل می‌شود و ندانشن دارایی، هزینه‌ای روزافزون پیدا می‌کند. به این ترتیب، جهش دلار می‌تواند نقطه قیمت کالاها که فاصله میان دارا و ندار را نیز افزایش دهد.

آگهی تحدید حدود حوزه

ثبتي شهرستان نوشهر

پيرو آگهي قانون تعيين تکليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمان هاي فاقد سند رسمي و به استناد تبصره ذيل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئين نامه قانون اخير الذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاريخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد.

املاک متقاضی واقع در قریه دزدک پلاک ۱۴

اصلي بخش ۳ قشلاقي کلاسه ۱۴۰۴/۵۱۹۹

رای شماره ۱۰۷۶/۲۲۴۰۲-۳۱۰۰۷-۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۷ پلاک ۱۰۷۶ فرعی آقای / خانم فاطمه صادقی فرزند نوروزمحمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۳۰۹۶۶ متر مربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از آقای اخنام محمدبالی چلندر

ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴و۸۶ آئین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند. در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۴

شناسه آگهی: ۲۲۷۵۸۹۸

علی اکبر مقدسی فر
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر

آگهی تحدید حدود حوزه

ثبتي شهرستان نوشهر

پيرو آگهي قانون تعيين تکليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمان هاي فاقد سند رسمي و به استناد تبصره ذيل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئين نامه قانون اخير الذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاريخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد.

املاک متقاضی واقع در قریه چلک پلاک ۱۷

اصلي بخش ۳ قشلاقي کلاسه ۱۴۰۳/۲۰۸۵

رای شماره ۱۱۴۷/۲۸۸۸۳-۳۱۰۰۷-۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۷ پلاک ۱۱۴۷ فرعی آقای / خانم محمدرضا بالی کهنه سرافزند عین اله نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۰۸۱۱ متر مربع به استشنا مقدار ۲۰,۲۰ متر بستر نهر آب خریداری بدون واسطه/ با واسطه از آقای اخنام عین اله بالی

ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴و۸۶ آئین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند. در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۴

شناسه آگهی: ۲۲۷۵۸۹۳

علی اکبر مقدسی فر
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون

و ماده ۱۳ آئين نامه قانون

تعيين تکليف وضعيت ثبتي

اراضي و ساختمانهای فاقد

سند رسمي

برابر رای های ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۳۰۳۹۹۲ و ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۳۰۳۹۸۴ و ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۳۰۳۹۸۳ و ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۳۰۳۹۸۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آبیک کلاسهای و ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۸۲۲ و ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۸۲۴ و ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۸۲۵ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم آزاده شیخ حسنی فرزند طهماسب به شماره شناسنامه ۵۲۸ و کد ملی ۵۰۸۹۶۱۰۳۵۵ صادره از آبیک و خانم بهینا مافی فرزند بهزاد به شماره شناسنامه و کد ملی ۵۰۸۰۲۱۹۹۸۱ صادره از آبیک و آقای آتیلا مافی فرزند بهزاد به شماره شناسنامه و کد ملی ۵۰۸۲۳۲۳۱۷۱ صادره از تهران هر یک نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۲۱/۷۱ متر مربع از ۱ پلاک اصلی بخش ۱۶ حوزه ثبت آبیک می باشد احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی وراث خانم فخرالزمان کریم زاده به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده و گواهی آنرا را به اداره ثبت تحویل دهد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

شناسه آگهی: ۲۲۸۴۷۲۲۳

علی مافی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آبیک

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۷/۰۴

: تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۹

آگهی اختصاصی موضوع ماده

۳ وماده ۱۳ آیین نامه قانون

تعیین تکلیف وضعیت ثبتی

اراضي وساختمانهای فاقد

سند رسمي

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی به شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۶۰۰۸۸۸۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان نور تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم امین حاجی علی رضائی فرزند عباس در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی (کاربری زراعی باغی) به مساحت ۳۰۰ متر مربع به پلاک ۳۷۳ فرعی از ۲۹ اصلی واقع در حوزه کاردرگر کلا بخش ۱۰ حوزه ثبت نور خریداری از آقای / خانم فرح السادات سجادی مورد تأیید و محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه سراسری و محلی آگهی می گردد در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۲۶۹۹۷۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۴

علی سعادت
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

